گزارش ۳

زینب زرین

تغییر معادله اقتصادی پرمصرف‌های گاز با نشانه‌های ساده

مهدی هاشم‌زاده، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان»: با دریافت قیمت صادراتی گاز از پرمصرف‌ها، امکان کاهش مصرف ۱۰۰ میلیون مترمکعبی گاز بخش خانگی وجود دارد

از ابتدای نیمه دوم سال یک تصمیم در زمینه اصلاح قیمت تعرفه گاز مشترکان خارج از الگوی بهینه مصرف بدون فشار به عموم مردم گرفته شد و قیمت گاز مشترکان پرمصرف به قیمت صادراتی گاز متصل شد و از مهرماه به بعد قیمت هر مترمکعب گاز مشترکان پرمصرف به ۸۰ درصد قیمت صادراتی گاز خواهد رسید. حال با توجه به پایان دوره سرد سال و ارسال قبوض گاز مشترکان پرمصرف، شاهد تغییر رفتار در مصرف غیربهینه بخش خانگی از سوی مشترکان پرمصرف هستیم و تجربه اصلاح قیمت گاز مشترکان پرمصرف و اتصال قیمت پله‌های بالای مصرف به نرخ صادراتی نشان داده که واقعی‌سازی قیمت، مؤثرترین ابزار برای جلوگیری از هدررفت گاز در بخش خانگی و حرکت مشترکان پرمصرف و مرفه به سمت بهینه‌سازی مصرف است.

به‌جای آنکه شبکه گاز کشور با مصرف‌های غیرضروری تحت فشار قرار گیرد و ناترازی تشدید شود، اکنون انگیزه‌ای قوی برای اصلاح رفتار در پرمصرف‌ترین بخش جامعه ایجاد شده است. نتیجه این تغییر، نه‌تنها کاهش قبوض سنگین برای خانوارهای پرمصرف، بلکه حرکت تدریجی به سمت مصرف بهینه و پایداری بیشتر شبکه گاز در فصل سرد خواهد بود. در گذشته، حتی مصرف‌های بسیار بالا نیز با یارانه سنگین تأمین می‌شد و همین موضوع باعث شده بود برخی مشترکان بدون دغدغه هزینه واقعی، به مصرفی فراتر از نیاز واقعی روی بیاورند؛ مصرفی که در مواردی به صدور قبوض چند صد میلیونی در ماه‌های سرد سال منجر می‌شد، اما با اصلاح نظام تعرفه‌ای و واقعی‌تر شدن قیمت در پله‌های بالای مصرف، معادله اقتصادی برای این گروه به‌طور کامل تغییر کرده است. اخذ قیمت واقعی و نزدیک به صادراتی گاز از پرمصرف‌ها، یک سیگنال قاطع و غیرقابل‌چشم‌پوشی به این دسته از مشترکان ارسال کرده است: مصرف غیربهینه دیگر ارزان نیست. همین پیام روشن باعث شد بسیاری از پرمصرف‌ها به جای ادامه روند گذشته و پذیرش قبوض سنگین، به سمت مدیریت و بهینه‌سازی مصرف حرکت کنند. در واقع، سیاست جدید نه با ابزار محدودیت دستوری، بلکه با منطق اقتصادی، رفتار مصرفی را هدف قرار داده است.

نشانه‌های این تغییر رفتار اکنون در سطح خانواده‌های پرمصرف قابل مشاهده است. عیب‌یابی شبکه لوله‌کشی داخلی ساختمان‌ها، بررسی نشتی‌های احتمالی و سرویس تجهیزات گرمایشی به یکی از اقدامات اولیه این مشترکان تبدیل شده است. موضوعی که پیش‌تر به دلیل ارزان بودن نسبی گاز چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت، امروز به یک اولویت اقتصادی تبدیل شده است؛ چراکه هر مترمکعب هدررفت، مستقیماً در رقم نهایی قبض منعکس می‌شود.

■ اهمیت و اثرگذاری تعرفه جدید پرمصرف‌ها در کاهش مصرف بخش خانگی

مهدی هاشم‌زاده، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با اهمیت تمرکز بر کاهش مصرف در بخش خانگی به خصوص اقشار پرمصرف گفت: بخش خانگی در روزهای اوج سرما به اصلی‌ترین مصرف‌کننده گاز کشور تبدیل می‌شود و سهم تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ناترازی دارد. در این میان، یک واقعیت آماری بسیار مهم وجود دارد؛ مشترکان پرمصرف به‌طور متوسط شش برابر مشترکان درون الگوی بهینه گاز مصرف می‌کنند. همین فاصله چشمگیر نشان می‌دهد که تمرکز سیاست‌گذاری بر اصلاح رفتار این گروه، می‌تواند بیشترین اثر را با کمترین فشار بر اکثریت جامعه ایجاد کند. بنابراین تمرکز بر اصلاح مصرف مشترکان پرمصرف بخش خانگی که حدوداً ۱۰ درصد از مشترکان هستند، ولی بیش از ۳۰ درصد از مصرف گاز بخش خانگی را دارند. بنابراین تمرکز بر اصلاح مصرف پرمصرف‌ها با سازوکارهای قیمتی بهترین راهکار برای تحقق این امر است. وی در ادامه با اشاره به امکان کاهش ۱۰۰ میلیون مترمکعبی مصرف گاز خانگی با تعرفه‌های جدید گاز خانگی و اتصال قیمت گاز پرمصرف‌ها به ۸۰ درصد قیمت گاز صادراتی خاطرنشان کرد: قیمت‌گذاری جدید پلکان پرمصرف‌ها مبتنی بر اتصال قیمت مصرف هر مترمکعب گاز برای مشترکان خارج از الگوی بهینه به قیمت صادراتی گاز منجر به کاهش مصرف گاز و در بلندمدت به کاهش بیش از ۱۰۰ میلیون مترمکعبی تقاضای گاز خواهد شد. این کارشناس انرژی در رابطه با اهمیت کاهش مصرف ۱۰۰ میلیون مترمکعبی تقاضای گاز گفت: اهمیت این عدد زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم ۱۰۰ میلیون مترمکعب در روز معادل خوراک چندین فاز صنعتی بزرگ یا تأمین پایدار گاز نیروگاه‌های کلیدی کشور است. به بیان دیگر، اصلاح مصرف گروهی که تنها سهم محدودی از کل مشترکان را تشکیل می‌دهند، اما مصرفی چندبرابری دارند، می‌تواند بدون تحمیل محدودیت به عموم مردم، تعادل را به شبکه گاز بازگرداند. این رویکرد، از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز منطقی‌تر از سیاست‌های فراگیر و غیرهدفمند است. در همین چارچوب، نظام جدید تعرفه‌گذاری پلکانی برای مشترکان پرمصرف طراحی شده است؛ نظامی که در آن قیمت هر مترمکعب گاز در پله‌های بالای مصرف به قیمت صادراتی گاز متصل می‌شود. این اتصال قیمتی، یک سیگنال اقتصادی دقیق و بازدارنده ایجاد می‌کند. زمانی که مصرف از سطح الگوی بهینه عبور می‌کند، هزینه هر واحد مصرفی به‌طور تصاعدی افزایش می‌یابد و عملاً ادامه مصرف بی‌رویه را از نظر اقتصادی غیرمنطقی می‌کند. به همین دلیل، این سیاست نه‌تنها درآمدزا نیست، بلکه اصلاح‌گر رفتار مصرفی است.

هاشم‌زاده افزود: اثرگذاری این قیمت‌گذاری جدید را می‌توان در دو سطح تحلیل کرد. در سطح کوتاه‌مدت، قبوض سنگین برای پله‌های بالای مصرف، مشترکان پرمصرف را به اقدام فوری برای کاهش مصرف سوق می‌دهد؛ از کاهش دمای محیط و محدود کردن فضاهای گرم‌شده گرفته تا حذف مصارف غیرضروری. در سطح میان‌مدت و بلندمدت نیز این سیاست انگیزه سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی مصرف را تقویت می‌کند؛ از عایق‌بندی ساختمان و نوسازی تجهیزات گرمایشی گرفته تا مدیریت هوشمند مصرف انرژی در واحدهای مسکونی بزرگ همگی جزو اقداماتی است که اخیراً از سوی پرمصرف‌ها صورت گرفته تا از قبوض چندصدمیلیونی گاز اجتناب شود. نکته مهم آن است که این سیاست تنها متوجه مصرف خارج از الگوی بهینه است و اکثریت مشترکان که در چارچوب الگو مصرف می‌کنند، تحت فشار قرار نمی‌گیرند. بنابراین اصلاح مصرف پرمصرف‌ها نه‌تنها به کاهش ناترازی کمک می‌کند، بلکه از منظر عدالت یارانه‌ای نیز منطقی است. یارانه انرژی به مصرف ضروری اختصاص می‌یابد و مصرف‌های چندبرابری دیگر با حمایت عمومی تأمین نمی‌شود.

وی در پایان گفت: اگر سرانه مصرف شش برابری پرمصرف‌ها به سطحی نزدیک‌تر به الگوی بهینه هدایت شود، ظرفیت آزادسازی روزانه تا ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز کاملاً دست‌یافتنی خواهد بود. اتصال قیمت پله‌های بالای مصرف به نرخ صادراتی، دقیق‌ترین ابزار برای تحقق این هدف است؛ ابزاری که بدون مداخله دستوری گسترده از طریق سازوکار اقتصادی، رفتار مصرفی را اصلاح می‌کند و مسیر کاهش پایدار ناترازی گاز در زمستان را هموار می‌سازد.

گزارش یک

نرگس گودرزی

تدوین نقشه صنعتی بلندمدت با تمرکز بر کاهش شکاف کلید احیای مشاغل پایدار است

تغییر ترکیب اشتغال به سمت بخش غیررسمی

حسین کاشی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»: قراردادهای موقت و شکاف رشد دستمزد با تورم باعث کاهش انگیزه نیروی کار و کاهش بهره‌وری می‌شود که اثرات آن کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد

رضا دهشیری | جوان

بی‌ثباتی شغلی یکی از پدیده‌هایی است که در سال‌های اخیر بیش از گذشته بر بازار کار کشور سایه انداخته و این مسئله در تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مورد بررسی قرار گرفته است. هنگامی که امنیت شغلی کارگران کم می‌شود و دستمزدها از نیروی کار صورت نمی‌گیرد، شرایط شغلی نیروی کار به بی‌ثباتی می‌رود. این وضعیت رفتار اقتصادی کارگران را تغییر می‌دهد و این تغییر آثار زنجیره‌ای بر مصرف، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌گذارد. نخستین پیامد بی‌ثباتی شغلی، کاهش امنیت روانی و معیشتی خانوارهاست. کارگری که قرارداد کوتاه‌مدت دارد یا هر لحظه نگران از دست دادن شغل خود است، توان برنامه‌ریزی برای آینده را از دست می‌دهد. این نااطمینانی باعث می‌شود خانوارها هزینه‌های خود را به حداقل برسانند و مصرف را کاهش دهند. افت مصرف خانوار نیز مستقیماً به کاهش تقاضا در اقتصاد منجر می‌شود و رکود را تشدید می‌کند.

از سوی دیگر، بی‌ثباتی شغلی انگیزه نیروی کار برای ارتقای مهارت و بهره‌وری را کاهش می‌دهد. وقتی افق شغلی کوتاه است، سرمایه‌گذاری فردی در آموزش و مهارت‌آموزی توجیه اقتصادی ندارد. نتیجه این روند، کاهش بهره‌وری نیروی کار و افت کیفیت تولید در بنگاه‌هاست که در بلندمدت توان رقابتی اقتصاد را تضعیف می‌کند. این وضعیت همچنین رابطه میان کارگر و کارفرما را شکننده می‌کند. بنگاه‌هایی که به نیروی کار ناپایدار متکی هستند، کمتر به نوآوری و توسعه فکر می‌کنند و بیشتر به دنبال کاهش هزینه‌های کوتاه‌مدت می‌روند. این رویکرد سرمایه‌گذاری مولد را محدود و رشد پایدار اقتصادی را دشوار می‌کند.

■ ریشه‌های ساختاری و نهادی افزایش اشتغال غیررسمی

حسین کاشی، کارشناس اقتصادی با اشاره به افزایش خود اشتغالی و گرایش به فعالیت در بنگاه‌های خرد درباره دلایل افزایش اشتغال غیررسمی به «جوان» گفت: این مسئله دلایل ساختاری و نهادی دارد. درخصوص دلایل ساختاری یکی از مهم‌ترین موارد به کاهش اشتغال در بخش عمومی می‌توان اشاره کرد. به گفته او نرخ پایین مشارکت اقتصادی و کاهش اشتغال در بخش عمومی تقاضا برای مشاغل غیررسمی را افزایش داده است.

وی، در بخش دیگر از اظهارات خود با اشاره به عوامل نهادی در پیش آمدن این وضعیت گفت: قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت یکی از دلایل مهم بی‌ثباتی شغلی است. در سال‌های گذشته به رغم تأکیدات فراوان نه تنها شاهد بهبود وضعیت قراردادها نبوده‌ایم، بلکه بیش از ۷۰ درصد کارگران قرارداد ندارند و ۹۶ درصد قراردادهای کار نیز به صورت موقت هستند که مشکلاتی همانند نبود بیمه و عدم دریافت مزایای قانونی به آنها تحمیل می‌شود.

وی این وضعیت را نه فقط شامل مشاغل غیردولتی، بلکه شامل بخش دولتی نیز دانست و گفت: بخشی از نیروهای دولتی در حال حاضر به صورت پژوهشی مشغول به فعالیت هستند و در سال‌های گذشته مجلس بارها به لزوم تعیین تکلیف آنها و نیروهای شرکتی و... تأکید داشته که به نتایج هدفگذاری شده نرسیده است.

کاشی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به شکاف رشد دستمزد با تورم اشاره کرد و افزود: رشد سالانه دستمزد اگرچه متناسب با تورم اعلام می‌شود، اما فقط یک‌بار در سال افزایش می‌یابد و طی سال با بالارفتن هزینه‌ها خلأ میان درآمد و معیشت روز به روز عمیق‌تر می‌شود. این شکاف به ویژه برای چهار دهک پایین جامعه که غالباً تنها منبع درآمدشان همین دستمزد است، منجر به فشار معیشتی گسترده می‌شود و نتیجه آنکه از آغاز دهه ۱۳۹۰ به بعد اشتغال لزوماً به خروج خانوارها از چرخه فقر منجر نشده است.

> رشد سالانه دستمزد اگرچه متناسب با تورم اعلام می‌شود، اما فقط یک بار در سال افزایش می‌یابد و طی سال با بالارفتن هزینه‌ها خلأ میان درآمد و معیشت روز به روز عمیق‌تر می‌شود. بدون یک نگاه بلندمدت و هماهنگ نمی‌توان با بی‌ثباتی شغلی مقابله کرد

■ راهکارهای مقابله با ناپایداری شغلی

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید دارد که بدون یک نگاه بلندمدت و هماهنگ، نمی‌توان با بی‌ثباتی شغلی مقابله کرد. نخستین محور پیشنهادی، تدوین یک استراتژی توسعه صنعتی بلندمدت برای کشور است. از نگاه این گزارش، نبود یک راهبرد صنعتی روشن باعث شده سرمایه‌گذاری‌ها پراکنده، کوتاه‌مدت و عمدتاً غیرمولد باشند. در مقابل، یک استراتژی صنعتی هدفمند می‌تواند ظرفیت‌های تولیدی را تقویت کند، مشاغل مولد و مبتنی بر رابطه مزدی ایجاد کند و دامنه و دوام اشتغال را افزایش دهد. چنین رویکردی به‌ویژه برای ایجاد امنیت شغلی و کاهش نوسانات بازار کار اهمیت دارد.

در ادامه گزارش بر تدوین نقشه راه بخشی ـ منطقه‌ای صنایع تأکید می‌کند. به این معنا که سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با ظرفیت‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و انسانی هر منطقه هدایت شوند. این سیاست می‌تواند از گسترش فعالیت‌های غیرمولد جلوگیری کرده و سرمایه را به سمت صنایعی سوق دهد که بیشترین توان اشتغالزایی پایدار را دارند. تمرکز بر مزیت‌های منطقه‌ای، علاوه بر ایجاد شغل به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نیز کمک می‌کند.

یکی دیگر از راهکارهای مهم، همسوسازی نظام آموزش مهارتی با نیاز واقعی بازار کار است. گزارش مرکز پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارد که شکاف میان آموزش و تقاضای صنایع، یکی از عوامل اصلی بیکاری و اشتغال ناپایدار است.

تقویت بخش رسمی اقتصاد، محور کلیدی دیگر این گزارش است. برای افزایش تمایل نیروی کار و کارفرمایان به فعالیت رسمی، سه راهکار پیشنهاد شده است. نخست، کاهش موانع حقوقی و بروکراتیک کسب‌وکارهای رسمی از طریق ساده‌سازی فرآیندهای ثبت مالیات و بیمه به ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط. دوم، ایجاد مشوق‌های مالی و بیمه‌ای برای قراردادهای رسمی و بلندمدت که شامل تخفیف‌های بیمه‌ای و مالیاتی برای کارفرمایانی که نیروی کار را به صورت رسمی به کار می‌گیرند، می‌شود. سومین مورد به ارتقای جذابیت دستمزد و حمایت اجتماعی در بخش رسمی از طریق همسوسازی حداقل مزد با تورم و تضمین پوشش کامل بیمه و مزایا مربوط است.

در بخش پیشنهادهای اختصاصی، گزارش بر اصلاح قوانین موجود تمرکز دارد. جلوگیری از موقتی‌سازی نیروی کار با رفع ابهامات ماده ۷ قانون کار، مقابله با ارزان‌سازی نیروی کار از طریق شفاف‌سازی ماده ۴۱ و تناسب دستمزد با تورم ارتقای سامان جمعی کار از طریق رفع محدودیت‌های تشکل‌یابی کارگران و در نهایت به‌روزرسانی قانون تأمین اجتماعی برای پوشش حداکثری شاغلان از جمله اصلاحات نهادی پیشنهادی هستند. مجموعه این راهکارها، در صورت اجرا می‌تواند مسیر بازار کار ایران را به سمت ثبات، امنیت و عدالت شغلی تغییر دهد.

از مجموع راهکارهای مرکز پژوهش‌های مجلس و همچنین کارشناسان اینگونه برآورد می‌شود که راهکار کاهش کوچ کاری از مشاغل رسمی تدوین نقشه صنعتی بلندمدت، کنترل تورم و کاهش شکاف دستمزدها با تورم است.

گزارش ۲

هادی اسماعیلی

از وضعیت نفت روسیه عبرت می‌گیریم؟

دولت با تسریع ساخت پتروپالایشگاه‌ها فرصت تحول نفتی را نسوزاند

نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان»: تسهیل ساخت پتروپالایشگاه‌ها فرصت تحول تاریخی برای عبور از خام‌فروشی نفت خام و تبدیل شدن به قطب تولید مواد شیمیایی دارد

کل صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران حدود ۱/۶ میلیون بشکه در روز است و دقیقاً به همین میزان نیز در کشور ما پروژه پتروپالایشگاهی تعریف شده است. این وضعیت به این معناست که تسهیل ساخت پتروپالایشگاه‌ها و اعطای مجوز تنفس خوراک به پتروپالایشگاه‌ها گامی راهبردی و مهم در جهت کاهش وابستگی ایران به خام‌فروشی نفت خام است. ایران باید از وضعیت امروز روسیه، درس بگیرد و هر چه سریع‌تر ساخت پتروپالایشگاه‌ها را به اتمام برساند. اگر دولت بتواند طی دو سال آینده پروژه‌های نیمه‌تمام پتروپالایشگاهی را به سرانجام برساند، اجرای قانون تنفس خوراک را عملیاتی کند و موانع اداری و مالی را برطرف سازد، کشور می‌تواند در آستانه تحولی تاریخی قرار گیرد که پس از یک قرن اتکا به خام‌فروشی نفت، مسیر اقتصاد انرژی ایران را دگرگون می‌کند.

فضای بین‌الملل حوزه نفت و گاز از تغییرات بسیار زیادی خبر می‌دهد که همراستا با وضعیت ایران نیازمند بررسی ویژه است. به طور مثال اخیراً نفت ونزوئلا از سوی رژیم امریکا تصاحب شده است و کودتایی بزرگ در این کشور غیرغربی سبب شد که شاهد چرخش بزرگ در بازار نفت بین‌الملل باشیم. ورود نفت ارزان‌قیمت ونزوئلا به بازار جهانی، آن هم در شرایطی که پیش‌تر تحریم‌های نفتی علیه روسیه نتوانسته بود به‌طور کامل صادرات این کشور را مختل کند، موازنه جدیدی ایجاد کرده است. طی سه سال گذشته، کشورهایی مانند هند با بهره‌گیری از تخفیف‌های قابل توجه نفت روسیه، حجم واردات خود از روسیه را افزایش دادند و عملاً بخشی از فشار تحریم‌های غرب را خنثی کردند، اما اکنون با فراهم‌شدن گزینه جایگزین در قالب نفت ونزوئلا، فضای مانور دهلی‌نو تغییر کرده و نشانه‌هایی از کاهش تدریجی وابستگی به نفت روسیه مشاهده می‌شود. این موضوع می‌تواند مستقیماً بر درآمدهای نفتی روسیه اثر بگذارد و توان مالی این کشور در مواجهه با تحریم‌ها را تضعیف کند. در سطح کلان این تحولات نشان می‌دهد که بازار انرژی به میدان اصلی رقابت ژئوپلیتیک تبدیل شده و هر تغییر در مسیرهای عرضه می‌تواند موازنه قدرت را دگرگون کند.

برای ایران، این وضعیت از چند جهت اهمیت راهبردی دارد. نخست آنکه ساختار فعلی صادرات نفت ایران نیز تا حد زیادی به بازار چین وابسته است و تمرکز بخش عمده فروش نفت بر یک مقصد خاص، ریسک‌های جدی اقتصادی و سیاسی ایجاد می‌کند. هرگونه تغییر در سیاست‌های خرید چین یا ظهور گزینه‌های جایگزین ارزان‌تر در بازار می‌تواند مستقیماً بر درآمدهای ارزی ایران اثر بگذارد. دوم آنکه تجربه روسیه نشان می‌دهد حتی قدرت‌های بزرگ انرژی نیز در برابر تغییرات سریع بازار آسیب‌پذیرند. بنابراین ادامه اتکا به خام‌فروشی نفت در شرایط رقابت فزاینده جهانی، می‌تواند ایران را در معرض شوک‌های مشابه قرار دهد.

■ پروژه‌های در حال ساخت پتروپالایشگاهی در کشور

اگر دولت بتواند طی دو سال آینده پروژه‌های نیمه‌تمام پتروپالایشگاهی را به سرانجام برساند، اجرای قانون تنفس خوراک را عملیاتی کند و موانع اداری و مالی را برطرف سازد، کشور می‌تواند در آستانه تحولی تاریخی قرار گیرد که پس از یک قرن اتکا به خام‌فروشی نفت، مسیر اقتصاد انرژی ایران را دگرگون می‌کند. در چنین سناریویی، ایران به جای آنکه در رقابت قدرت‌ها صرفاً تأمین‌کننده نفت خام باشد، به بازیگری فعال در بازار جهانی موادشیمیایی و فرآورده‌های پیشرفته تبدیل خواهد شد؛ جایگاهی که هم درآمد پایدارتر ایجاد می‌کند و هم قدرت چانه‌زنی کشور را در نظم جدید جهانی افزایش می‌دهد.

■ فرصت تاریخی نفتی

نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با وضعیت اخیر نفت و گاز در بازارهای بین‌المللی و کاهش تقاضای نفت روسیه به واسطه کودتا در ونزوئلا به دست ترامپ و دولتش گفت: یکی از مهم‌ترین تغییرات حال حاضر دنیا، حرکت قطب‌های فعلی اقتصاد جهان به سمت تصاحب منابع کشورهای دارای مواد معدنی و نفتی است و اخیراً نیز امریکا با کودتای درونی در نظام ونزوئلا در همکاری با معاون رئیس‌جمهور ونزوئلا، مادورو را دزدید و حالا با کودتای جدید امریکایی، نفت ونزوئلا در اختیار امریکاست و این نفت نیز در اختیار هژمون غرب در مقابله با نظام غیرغربی قرار گرفته و حلقه فشار به کشورهایی نظیر چین و روسیه را تنگ‌تر کرده است.

> نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی: طرح‌های پتروپالایشگاهی ایران با وجود اهمیت آن، به دلیل عدم تمرکز دولت‌های مختلف در جهت خنثی‌سازی تحریم‌ها، متأسفانه جلو نرفتند و الان در وضعیتی هستیم که پیشرفت فیزیکی عمده این پتروپالایشگاه‌ها زیر ۳۰ درصد است و با یک تمرکز و سرمایه‌گذاری هدفمند طی دو سال آتی برخی از این پتروپالایشگاه‌ها به بهره‌برداری خواهند رسید

وی ادامه داد: این وضعیت سبب شده است که شاهد این باشیم تحریم و تهدید نفتی هند که در سه سال اخیر جواب نداده بود، حالا با جایگزین شدن نفت ارزان قیمت ونزوئلا به جریان بازار با محوریت فروش آن از سوی امریکا، هند به سمت کاهش خرید نفت از روسیه حرکت کرده است. این موضوع سبب شده که مشکلی جدید و جدی در درآمدهای نفتی روسیه ایجاد شود.

این کارشناس انرژی در رابطه با اهمیت تمرکز ایران بر اصلاح وضعیت خام‌فروشی نفت خام خود خاطرنشان کرد: این اتفاق برای ایران بسیار اهمیت دارد؛ هم‌اکنون نیز عمده نفت ایران به چین ارسال می‌شود و این وضعیت انحصاری علاوه بر خطرناک بودن، یک فرصت ایده‌آل نیز به وجود آورده است.

از دوره اول تحریم‌ها در سال ۲۰۰۹، ایران به سمت این رفت که به جای صادرات نفت، ایده صادرات فرآورده‌های شیمیایی و نفتی را جایگزین کند. ایده‌ای بسیار کلیدی با بازار متنوع از جمله بازار داخلی و تمامی بازارهای بین‌المللی بدون امکان تحریم‌پذیری و تنوع در محصولات تولیدی که این رویکرد مبتنی بر ساخت پتروپالایشگاه و شاخه تولید موادشیمیایی از نفت خام بوده است.

وی در مورد اهمیت پتروپالایشگاه‌ها در دوره گذار کنونی به سمت نظام چندقطبی در دنیا و خنثی‌سازی تحریم‌های نفتی کشور خاطرنشان کرد: طرح‌های پتروپالایشگاهی ایران با وجود اهمیت آن، به دلیل عدم تمرکز دولت‌های مختلف در جهت خنثی‌سازی تحریم‌ها، متأسفانه جلو نرفتند و الان در وضعیتی هستیم که پیشرفت فیزیکی عمده این پتروپالایشگاه‌ها زیر ۳۰ درصد است و با یک تمرکز و سرمایه‌گذاری هدفمند در طی دو سال آتی برخی از این پتروپالایشگاه‌ها به بهره‌برداری خواهند رسید و ایران می‌تواند معادل کل درآمد صادراتی خود را تبدیل به موادشیمیایی متنوعی کند و زنجیره ارزش تبدیل نفت خام به مواد شیمیایی را تا انتهای زنجیره ادامه دهد.

هدایتی‌فر در پایان گفت: از همین رو ضروری است که دولت و وزارت نفت باید بر اجرای قانون تنفس خوراک نفت خام و میعانات که معادل یک‌سال خوراک مورد استفاده پتروپالایشگاه را رایگان در اختیار پتروپالایشگاه قرار می‌دهد و در طول پنج سال معادل نرخ بهره وام‌های ارزی از پتروپالایشگاه این نفت را تسویه خواهد کرد، ولی این کار جریان مثبت بسیار زیادی برای پتروپالایشگاه ایجاد می‌کند؛ از سمتی دیگر علاوه بر اجرای قانون تنفس خوراک، تأمین تجهیزات و فاینانس و همچنین مجوزهای تولید باید سریعاً از سوی دولت تسهیل شود تا شاهد تحولی اساسی و بزرگ در جریان نفتی کشور طی ۱۰۰ سال اخیر باشیم و از خام‌فروشی نفت به سمت تبدیل شدن به قطب تولید مواد شیمیایی حرکت کنیم.